

منافع اقتصادی روسیه در آسیای مرکزی

استانیسلاو ژوکف

ترجمه محمد نایب‌پور

بدون اغراق می‌توان ادعا کرد که منافع اقتصادی یکی از اهداف عمده سیاست خارجی روسیه را تشکیل می‌دهد. همکاری دوجانبه با کشورهای تازه استقلال یافته در راستای تحقق این هدف است. در سال ۱۹۹۲-۹۴ سیاست روسیه بعد از فروپاشی شوروی سابق به‌طور جدی با مسئله اساسی گذر از سیستم اقتصاد برنامه‌ریزی به سوی اقتصاد بازار در ارتباط بوده و در این راستا روسیه بر آن شد تا پاسخ لازم به دو پرسش اساسی را ارائه دهد. از یک سو، رسیدگی و حل مسئله میراث باقی مانده از نظام شوروی، و از طرف دیگر تدوین شرایط لازم برای توسعه همکاری دوجانبه بر اساس اصول اقتصاد سالم بازار است. در این مقاله به تحلیل سیاست روسیه در ارتباط با پنج دولت آسیای مرکزی می‌پردازیم.

اولین تلاشها برای ارزیابی همکاری دوجانبه با جمهوری‌های سابق در چارچوب اقتصاد بازار، بی‌نتیجه بودن فرهنگ «تقسیم کار» در این جمهوری‌ها را نشان می‌دهد. پس از تقسیم دوباره و همیشگی منابع سرمایه‌ای و سیستم نادرست «قیمتهای داخلی» که از اصول عملی به‌دور مانده بود؛ روسیه برای توسعه اقتصادی تمام جمهوری‌ها در مقیاسی وسیع اقدام به پرداخت کمک مالی کرد. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۸۹ مانده تجاری روسیه به قیمت‌های داخلی مبادلات بین جمهوری‌ها، منفی بود و رقم ۳۷/۷ میلیارد روبل را تشکیل داد. البته در محاسبه دوباره قیمت‌های متوسط جهانی، روسیه مانده تجاری مثبت را به مقدار ۳۲/۱ میلیارد روبل به‌دست آورد.^(۱) از مجموع زیان ۶۷ میلیاردی، ۳۶/۵ میلیارد آن در نتیجه کاهش قیمت ارسال انرژی و ۱۶/۹ میلیارد نیز از تولیدات صنایع ماشین‌سازی به کشورهای پنج‌گانه ناشی شد. همزمان با این موارد، ۶/۹، ۱۸/۷، ۲۱/۹ میلیارد از این زیان اقتصادی به ترتیب در نتیجه افزایش قیمت در صنایع نساجی، کالاهای مصرفی و مواد خام کشاورزی که از جمهوری‌های سابق به روسیه صادر می‌شد، به‌وجود آمد.

روندی که در دوره «پرسترویکای گورباچف» به اوج رسید، به تثبیت نقش روسیه

به‌عنوان ستون اصلی اقتصادی دیگر جمهوری‌ها کمک کرد. با ارزیابی جریان‌های گذشته روشن می‌شود که اندیشه استقلال اقتصادی در نواحی و جمهوری‌ها و نیز احیای ملی پس از آن اقتدارطلبی که در سال ۱۹۸۹ به‌عنوان فاکتور اساسی زندگی سیاسی ابتداء در جمهوری‌های حوزه بالتیک و سپس در روسیه به‌شمار می‌رفت، فی‌نفسه مبارزه‌ای را برای تسلط بر اراده مستقل منابع در پی داشت. رهبری جمهوری‌های آسیای مرکزی، نحوه پشتیبانی سیاسی از مرکز را در افزایش اساسی سهم مالی از بودجه شوروی سابق دگرگون ساخت. زیرا این جمهوری‌ها به‌طور سنتی با کمک مرکز اداره و در ازای بودجه واگذاری به آنها، سیل عظیمی از منابع آنها به سوی مرکز ارسال می‌شد.

سهم سالیانه هر جمهوری از مجموع بودجه شوروی سابق در سالهای ۹۱-۱۹۸۵ به درصد^(۳)

جمهوری	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵
ازبکستان	۴۲/۹	۲۳/۲	۲۶/۹	۲۳/۷	۲۰/۹
قزاقستان	۲۳/۰	۳۳/۰	۲۸/۸	۲۶/۵	۱۹/۴	۱۵/۶	۱۱/۴
قرقیزستان	۳۵/۶۶	۲۹/۳	۱۸/۳	۲۳/۸	۱۶/۴
ترکمنستان	۲۱/۷	۲۲/۵	۲۰/۰	۱۶/۹	۱۳/۳	۱۳/۴۴	۱۲/۱
تاجیکستان	۶۰/۱	۴۲/۲	۲۵/۶	۲۶/۸	۲۵/۹	۲۸/۴	۱۵/۵

از ژانویه ۱۹۹۲ و لحظه آغاز تحولات اساسی اقتصاد بازار بارزترین هدف سیاست اقتصادی روسیه در تمام منطقه تحت نفوذ شوروی سابق، کاهش نقش این دولت به‌عنوان بازیگر اصلی بود. برای تحقق این هدف مجموعه‌ای از اقدامات مشخص صورت پذیرفت که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

الف) بهبود شرایط تجارت با «همسایگان نزدیک» از طریق نزدیک کردن قیمت‌های صادراتی و وارداتی با قیمت‌های متوسط جهانی.

ب) کم کردن حجم فیزیکی منابعی که به دولتهایی با قدرت پرداخت محدود تحویل می‌شود.

ج) سخت شدن شرایط واگذاری اعتبار.

د) جدا کردن نظام واحد پولی گذشته.

ه) تشویق دولتهای مستقل جدید به برقراری ارز ملی مخصوص و تقویت آن.

همان‌طور که روشن است در ژانویه ۱۹۹۲ در روسیه آزادی قیمت‌ها تنها در سطح محدودی انجام شد. قیمت مواد انرژی تحت نظارت قرار گرفت، اما در همین زمان قیمت کالاهای واسطه‌ای و نهایی در عمل آزاد گذاشته شد. با توجه به اینکه مرزهای گمرکی بین جمهوری‌های سابق عملاً وجود نداشت، اما به جهت موقعیت خاص، برخی دولتها تحت نفوذ روبل باقی ماندند. در نتیجه مؤسسات غیرروسی ارتباطات تعاونی را همچنان در سطحی نازل حفظ کردند. این امر شرایط تجارت را برای روسیه بدتر کرد. چنین وضعیتی ویژگی اساسی مبادلات انجام شده در نیمه اول سال ۱۹۹۲ را شامل می‌شود.

در اواخر این سال نرخ نفت ارسالی به جمهوری‌های سابق ۳۴٪، گاز ۵۱٪، فرآورده‌های نفتی ۲۸-۲۴٪، و چوب صنعتی ۸٪ از قیمت متوسط جهانی را تشکیل می‌دادند. در همین زمان قیمت پنبه وارداتی از جمهوری‌ها ۶۸٪، پشم ۳۴٪، شکر ۱۰۶٪ از سطح متوسط جهانی را تشکیل می‌دادند.^(۴) در این ارتباط قزاقستان مثال خوبی است که بزرگترین شریک روسیه در بین کشورهای مشترک‌المنافع به‌شمار می‌رود. در سال ۱۹۹۲ نفت روسیه که در قزاقستان تحویل شد جمعاً بیش از ۹/۶٪ قیمت جهانی بود و سایر مواد نیز چنین وضعیتی را داشتند: فرآورده‌های نفتی ۳۳/۳٪، بنزین ۳۸/۶٪، گازوئیل ۴۵/۲٪، ذغال سنگ ۱۲٪، آلومینیوم ۲۵/۷٪، نیکل ۲۸/۷٪؛ بدین ترتیب همان‌طور که آشکار است مبادلات بین دولتها در عملیات غیرمتمرکز با قیمت‌هایی دوسه مرتبه ارزانتر از بازار جهانی انجام شد.^(۵) در سال ۱۹۹۲ تنها پرداخت سوبسیدهای پنهان به جمهوری‌های سابق برای تجارت مواد نفتی نزدیک به ۹/۵ میلیارد دلار بود. صندوق بین‌المللی پول حتی حجم گسترده سوبسیدهای مشابه در این سال را ۱۳/۲ میلیارد دلار اعلام کرده است.^(۶)

در سال ۹۴-۱۹۹۳ نرخ محصولات اساسی صادراتی به اعضای جامعه مشترک‌المنافع به نحو چشمگیری به قیمت‌های جهانی نزدیک شد. با این وجود ضمن توجه به سطح بالای همکاری‌های دوجانبه اقتصادی بین جمهوری‌های سابق، روسیه نه تنها مرحله گذر به قیمت‌های واقعی را بتدریج و به‌طور کامل انجام داد، بلکه با بهره‌گیری از اقتصاد چندبخشی، در قیمت‌های گوناگون تولید و مبادله، از قیمت‌های مختلف نیز بهره برد. این امر چندان تعجب‌آور نیست، زیرا در قراردادهای تجاری دوجانبه با اعضای جامعه مشترک‌المنافع، بر پایه مجموعه مبادلات صادرات و واردات تعادل برقرار شده بود نه براساس گروه کالاهای جداگانه. هم‌زمان با این جریان‌ات بسته به خواسته‌ها و علایق روسیه در هر مرحله‌ای از تجارت قیمت محصولات صادراتی یکسان تغییر می‌یابند.

قیمت به کار رفته در تجارت دولتی روسیه با کشورهای آسیای مرکزی
در سه ماه اول سال ۱۹۹۴ (هزار روبل در تن یا یک محصول)

نوع کالا	قزاقستان	ازبکستان	ترکمنستان	قرقیزستان	تاجیکستان
نفت	۶۶	۵۵	-	۵۵	-
بنزین	۲۳۷	۲۳۲	۱۵۰	-	۱۸۰
گازوئیل	۱۳۲	-	-	-	۱۵۸
گاز	۸۰	-	-	-	-
ذغال سنگ	۲۶	-	۱۷	-	-
فلز سیاه	۲۴۹	۲۳۰	۲۳۶	۲۱۹	۲۰۳
کود شیمیایی	۲۴۶	۳۴	-	۴۸۵	۳۸۲
لاستیک	۶۱	۵۸	۳۷	۲۷	۲۵
کامیون	۱۱۰۵۸	۶۸۲۳	۵۲۳۳	۹۳۳۲	۱۵۱۴۹
تراکتور	۷۴۷۶	۱۹۶۵۹	-	-	۱۲۱۰۰

منبع: Interfax/CIS, No.36, Sep 9, 1994, pp.11-18

برای کاهش نقش روسیه به عنوان بازیگر اصلی در منطقه اقداماتی برای کم کردن حجم منابع تحویلی به جمهوری‌های سابق صورت گرفت. ضمن توجه به دگرگونی‌های نامنظم سطوح قیمتی، این روند بازتاب روشنی از حرکت نامعقول شاخصهای اقتصادی است. محاسبه پنج گروه از کالاهای مهم که در مجموع صادرات اساسی روسیه جایگاه خاصی دارند، در این ارتباط به طور کافی گویا و بی نیاز از توضیح است.

روند تحویل مواد نفتی به دولتهای آسیای مرکزی در سالهای ۹۳-۱۹۹۲ (به درصد) (۷)

سال	مواد نفتی	تاجیکستان	قرقیزستان	ترکمنستان	ازبکستان	قزاقستان
۱۹۹۲	نفت	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۹۹۳	نفت	-	۲۴	-	۹۸	۷۳
۱۹۹۲	گاز	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۹۹۳	گاز	-	-	-	-	۶۷
۱۹۹۲	مازوت	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۹۹۳	مازوت	۷۶	-	۹۱	۱	۳۵
۱۹۹۲	بنزین	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۹۹۳	بنزین	۶۳	-	۸۳	۸۱	۸۲
۱۹۹۲	گازوئیل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۹۹۳	گازوئیل	۹۹	-	۷۱	۹۲	۶۲

اساس سیاست اجرا شده توسط روسیه در جدا کردن منطقه روبلی واحد، ملاحظات ضروری است که برخلاف میل دولتهای مستقلی چون ازبکستان و قزاقستان تحقق یافت. این دو دولت تا آخرین لحظه مخالف اجرای طرح پول ملی بودند. طرح اساسی برقراری نظام پولی مخصوص هر دولت به حاکمیت کامل روسیه منجر شد و بدون انجام یک رشته تلاشهای بی فایده و مناظره‌ای بی پایان با دیگر بازماندگان روبل روسی راه را برای اجرای بورس اقتصادی مستقل باز کرد. در ژانویه ۱۹۹۲ برخی از این دولتها از سیاست معنی دار پولی - مالی سرباز زدند. اقدامات فنی درازمدت و انجام محاسبات لازم در بانک مرکزی روسیه برای بانکهای مرکزی کشورهای عضو جامعه مشترک المنافع به جایگزینی روبل روسی به جای واحد پولی پیشین منجر شد. جدا شدن نظام پولی روسیه امکان جایگزینی کامل مدل همکاری‌های دوجانبه را با جمهوری‌های سابق به وجود آورد. این موضوع در وهله اول با انجام عملیات استاندارد و واگذاری کمکهای مالی بوقوع پیوست. سخت شدن شرایط واگذاری اعتبار به اعضاء یا دولتهای عضو جامعه مشترک المنافع، یکی از بارزترین مصادیق در پروسه‌ای دنباله دار برای ارائه مثالی از همکاری‌های مشترک بین دولتهای این منطقه به شمار می رود.

آنچه با نام «کمکهای فنی» در سال ۹۲ و نیمه اول سال ۹۳ و براساس خط مشی بانک مرکزی به دولتهای پنج گانه واگذار شد، اواخر سال ۹۳ به واگذاری اعتبارات بین دولتها تغییر ماهیت داد. به عبارت دیگر، شناخت غیرارادی بانکهای مرکزی کشورهای مستقل نوظهور از روسیه به عنوان سیاستگذار توسعه طلب اعتباری - مالی که انباشت سرمایه در اقتصاد خود روسیه را پی می گیرد، واگذاری اعتبارات در مقیاسی کمابیش متفاوت را در چارچوبی محدود موجب شد. از آن زمان به بعد این امر به صورت بالاترین محدودیت در حجم اعتبارات واگذاری توسط روسیه در متن توافقهای دوجانبه گنجانده شد. نکته شایان توجه آنکه «کمکهای فنی» سال ۹۲-۹۳ برای اعضای دریافت کننده در لیست بدهی‌های دولتی ثبت و معتبر شناخته شد. مثلاً قزاقستان ۱/۲۵، ازبکستان ۰/۱۵، تاجیکستان ۰/۱۹ و قرقیزستان ۰/۱ میلیارد دلار بدهی را پذیرفتند. هم چنین مجموع بدهی دولتهای آسیای مرکزی به روسیه طی این دو سال بالغ بر ۲/۴ میلیارد دلار بود که قزاقستان پرداخت ۱/۴۰۲، ازبکستان ۰/۴۲۲، ترکمنستان ۰/۲۴۲، تاجیکستان ۰/۱۸۸ و قرقیزستان ۰/۱۴۷ میلیارد دلار آن را برعهده دارند. (۸)

در سال ۱۹۹۴ روند سخت شدن شرایط واگذاری اعتبارات بین دولتی ادامه یافت. روسیه در تکمیل طرح بهره برداری از منابع مالی اختصاص یافته، از کشورهای جامعه مشترک المنافع وثیقه‌ای به صورت پول یا وسیله‌ای مورد قبول دیگر را تقاضا کرد و در عمل نیز اصل اختصاصی اعطای اعتبار در مبادلات را پذیرفت. موافقتنامه‌های اعتباری بین دولتها حجم

معین و فهرست مفصلی از وسایل را به دنبال داشت که شرکتهای تولیدکننده پنج کشور دریافت کردند. عملاً اعتبارات معینی به تقویت صادرات ملی روسیه اختصاص یافت و با دیدی منتقدانه شاید بتوان گفت که صنعت روسیه با واردات ضروری تقویت شد. ویژگی مهم این اعتبارات در این امر نهفته بود که تنها امکان حمایت از سیاستهای تولیدی خاصی را ممکن ساخت که با حیات اقتصادی روسیه ارتباطی تنگاتنگ دارند. کاهش درآمدها در حمایت از چرخش اقتصاد به سوی تولید ناخالص داخلی در کشورهای مستقل نوظهور دستاورد قطعی اقدامات فوق به شمار می رود. سهم اعتبارات واگذاری به جمهوریهای سابق در تولید ناخالص داخلی روسیه از ۸/۵٪ در سال ۱۹۹۲ به ۲/۳٪ تا ۲٪ در سال ۱۹۹۳ و ۱٪ در سه ماهه اول سال ۹۴ کاهش یافت.^(۹)

همزمان با این موضوع و صرفنظر از برخی اقدامات انجام شده و موفقیتهای به دست آمده، حرکت کامل به سطح پذیرفته شده ارتباط اقتصادی متقابل با جمهوریهای سابق پایان نگرفت. هیچ یک از دولتهای عضو جامعه مشترک المنافع پرداخت بدهی سالهای ۹۲-۹۳ به روسیه را آغاز نکرد. در ضمن مکانیسم رضایت بخش بازپرداخت این اعتبارات تاکنون تدوین نشده است. از نیمه دوم سال ۱۹۹۴ بدهی فزاینده در زمینه پرداخت مطالبات و عدم توانایی در پرداخت هزینه منابع و انرژی، روسیه را بر آن داشت تا برنامه دریافت مطالبات سابق را تنظیم نماید.^(۱۰) در سال ۱۹۹۵ روسیه قصد دارد تحویل مواد بخش انرژی را تنها در سطح مبالغی محدود کند که جمهوریهای سابق عملاً برای تأدیه بدهی انباشته شده در سال ۹۳-۹۴ به تولیدکنندگان روسی را پردازند. جدایی مجموعههای اقتصادی کلان روسیه و دولتهای آسیای مرکزی که غالباً به طور آگاهانه تحت عنوان واگرایی مورد بحث قرار می گیرد، در عمل به شرایطی چند وابسته است. برخلاف تصورات بسیار گسترده، روسیه توجه چندانی به توسعه مناسبات دوگانه اقتصادی با آسیای مرکزی از نظر بازسازی رشد اقتصادی ندارد. شاخصهای استاندارد اقتصاد بازار به طور یکپارچه بر این واقعیت تأکید دارند که هیچ یک از این دولتها به عنوان بازاری آماده و پُر ظرفیت برای فروش محصولات روسی به حساب نمی آید. به نظر نویسنده گمان نمی رود تولید ناخالص داخلی در کشورهای همجوار به سطح ۱۰ تا ۶ میلیارد دلار برسد، اما قدرت خرید مردم محروم بی اندازه پایین است و در آینده هم کمتر خواهد شد. همچنین قرقیزستان و تاجیکستان در گروه کشورهای با کمترین میزان توسعه جای گرفته اند و پس از این دو کشور باید از قزاقستان و ازبکستان نام برد. در این میان تنها ترکمنستان است که به دلیل برخورداری از منابع طبیعی و گسترده گاز، شانس جدی بقا در گروه دولتهای بادرآمد متوسط را برای خود حفظ کرده است.

تولید ناخالص داخلی برحسب جمعیت و درآمد متوسط مردم در دولتهای آسیای مرکزی (۱۱)

متوسط درآمد سرانه (به دلار)		سرانه تولید ناخالص (به دلار)		تولید ناخالص (به میلیارد دلار)		جمهوری
۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۳	
۹/۷	۲۶/۲	۷۷	۱۹۲	۱/۷	۴/۳	ازبکستان
۱۷/۹	۵۰/۳	۲۶۶	۳۳۷	۴/۵	۵/۷	قزاقستان
۹/۵	۱۳/۳	۱۲۸	۲۱۸	۰/۵۸	۰/۹۸	قرقیزستان
۹/۵	۱۳/۳	۲۴۹	۱۲۶۵	۱/۱	۵/۵	ترکمنستان
۷/۵	۱۵/۲	۴۳	۱۰۹	۰/۲۴	۰/۶۱	تاجیکستان

در این میان، تمام دولتهای پنج‌گانه آسیای مرکزی از تراز تجاری منفی و در بهترین موقعیتها از کمترین مانده تجاری با «کشورهای غیرمنطقه‌ای» برخوردارند. این امر طبق نظرات شفاهی خبرگان اقتصادی و قدرت پرداخت این دولتها قابل اثبات است.

میزان تجارت دولتهای آسیای مرکزی با کشورهای «غیرمنطقه‌ای» (میلیارد دلار) (۱۲)

مانده		واردات		صادرات		جمهوری
۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۳	
-	-۰/۳	۰/۹	۱/۰	۰/۹	۰/۷	ازبکستان
۱/۰	۱/۰	۰/۵	۰/۳	۱/۵	۱/۳	قزاقستان
۰/۰۱	-	۰/۰۷	۰/۱	۰/۰۸	۰/۱	قرقیزستان
۰/۸۷	۰/۵	۰/۰۳	۰/۵	۰/۹	۱/۰	ترکمنستان
-	-۰/۱	۰/۱	۰/۴	۰/۱	۰/۳	تاجیکستان

نکته اساسی تر آنکه با توجه به ظرفیت ناچیز اقتصاد محلی، خصوصاً بخش صادراتی آنها، حجم اعتبارات تقویت‌کننده نمی‌توانند چندان مهم باشند زیرا بسرعت مصرف می‌شوند. به عبارت دیگر تحت عنوان خرید محصولات معین، کارخانه‌هایی از کشورهای اعتباردهنده واگذار می‌شوند. در موقعیت کنونی روسیه حتی بدون خسارت برای اقتصاد ملی، نمی‌تواند منابع مالی موجود را در تقویت صادرات به بازار دولتهایی با قدرت پرداخت محدود جذب نماید.

مهمتر، شرایطی است که روسیه در آن نارسایی جدی ابزارهای مالی و اُفت ملاکهای انباشت سرمایه را می‌آزماید و در این شرایط گمان نمی‌رود هیچ منبعی را از قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان دریافت کند و بر این اساس هیچ‌ذکری از تاجیکستان و قرقیزستان به میان نمی‌رود.

اولویت موضوع مدرنیزه‌سازی توان تولیدی بسیار عقب‌افتاده در صنعت و در عرصه خدمات، اشتیاق روسیه را در پشتیبانی از ارتباطات اقتصادی با این کشورها کاهش می‌دهد. زیرا این دولتها به واسطه بنیان تکنولوژیک بی‌نهایت عقب‌مانده و تولید علمی - فنی ضعیف نگهداشته شده در مراحل بسیار دوری از توسعه قرار دارند. همچنین اقدامات کاملاً مساوی از نظر تأمین نیازهای اساسی دولتهای آسیای مرکزی صورت پذیرفته است. توجه به گفته‌های بالا دقیقاً بیان می‌دارد که منافع اقتصادی میان‌مدت روسیه به روابط متقابل اقتصادی با دولتهای مستقل جدید در منطقه آسیای مرکزی بر مبنای اقتصاد بازار وابسته است. این روند دیری نمی‌پاید و به صورت تصادفی اتفاق نمی‌افتد، زیرا صرف‌نظر از شعارهای روبه‌تزیاید وحدت‌بخش، سهم خالص صادرات روسیه به کشورهای پنج‌گانه آسیای مرکزی در سال ۹۳-۹۲ از ۳/۴ به ۲/۲ و حجم واردات از این کشورها در همین مدت از ۲/۸ به ۱/۶ کاهش یافت.

در این زمان همچنان‌که رابطه اقتصادی غیربازاری با جمهوری‌های سابق فی‌نفسه در حال سرد شدن است، پیش‌شرطهای مشخصی برای افزایش همکاری‌های دوجانبه در دیگر زمینه‌ها و ابعاد وجود دارد. در اینجا صحبت از همکاری دوجانبه و ثمربخش میان مؤسسات، مناطق و بخشهای همجواری است که به‌طور سنتی در مبادلات مفید درگیر هستند و می‌توانند برای ایجاد بازاری امیدوارکننده، مبنای رابطه قرار گیرند. بارقه‌های امید در همکاری دوجانبه در مناطق هم‌مرز روسیه و قزاقستان مشاهده می‌شود.^(۱۳) در چنین تجربه‌هایی همکاری مشترک بین منطقه «ایوانسکی» روسیه و وزارتخانه‌های صنایع محلی و صنایع استخراجی ازبکستان سازمان‌یافته و هدف اصلی این تلاشها تشکیل اتحادیه‌های چندملیتی غیرروس با حضور دولتهای آسیای مرکزی و مؤسسات روسی است.^(۱۴) برای تحقق این هدف به زمان طولانی نیاز است تا این‌گونه ابتکارهای فزاینده عملی شوند و نتیجه رضایت‌بخشی را از اقتصاد کلان حاصل نمایند.

در عین حال روسیه در برنامه درازمدت به استخراج ذخایر زیرزمینی آسیای مرکزی چشم دوخته است. برخی از دولتهای این منطقه شرایط مناسبی را برای پویایی رشد اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی به عنوان صادرکننده منابع طبیعی زیرزمینی در نظر گرفته‌اند. در این ارتباط بیش از همه روی سخن با ترکمنستان و قزاقستان است. ازبکستان هم می‌تواند در تقسیم‌بندی این دو کشور قرار گیرد، زیرا در مقایسه با آن دو کشور ذخایر بسیار ناچیز نفت و گاز را در اختیار دارد.

جایگاه برخی دولتهای آسیای مرکزی در صنعت نفت و گاز جهانی (۱۵)

جمهوری	سهم در استخراج جهانی		ذخایر پیش‌بینی شده		مکان جهانی براساس میزان ذخایر	
	نفت ۱۹۹۳	گاز ۱۹۹۳	نفت میلیارد تن	گاز تربلیون مترمکعب	نفت	گاز
ترکمنستان	۰/۱	۳/۱	۶/۳	۱۵/۵	۹	۳
قزاقستان	۰/۸	۰/۳	۶/۱	۵/۹	۱۰	۵
ازبکستان	۲/۱	۰/۱	۰/۳	۲/۰	-	۱۳-۱۵

در این نمودار سطح بالای ذخایر نفتی با استفاده از اطلاعات معتبر آمده است و برخی داده‌های دیگر بر ناچیز بودن ذخایر تأکید دارد. همچنین برخی اطلاعات رسمی ناباورى متخصصین را طرح می‌کند. البته اگر کمترین میزان ذخایر نفتی را در نظر بگیریم در این صورت هم، ترکمنستان و قزاقستان برای ورود به بورس معاملات نفت و گاز جهانی از اقبال خوبی برخوردار می‌باشند.

آینده اقتصادی سیاسی قزاقستان و ترکمنستان به فروش ذخایر مواد خام برای تبدیل شدن به دولتهای مستقل بستگی کامل دارد و این امر توسط مجامع رهبری محلی بوضوح درک و احساس می‌شود. هر دو کشور طرحهای ملی افزایش استخراج و صادرات نفت و گاز را پیش‌رو دارند. در آینده استخراج منابع و صادرات بعدی آنها می‌تواند این دو کشور آسیای مرکزی و نیز ازبکستان را به بازار خوبی برای فروش محصولات آماده تبدیل کند.

طرحهای ملی افزایش استخراج نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان (۱۶)

جمهوری	مواد نفتی	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۱۰
ترکمنستان	نفت (میلیون تن)	۹	۲۸	۸۰/۸
ترکمنستان	گاز (تربلیون مترمکعب)	۹۰	۱۳۰	۲۳۰
قزاقستان	نفت (میلیون تن)	-	۵۱/۴	۱۰۰

در جریان استخراج ذخایر نفت و گاز منطقه آسیای مرکزی و در شرایط رقابت در حال گسترش جهانی بر سر تسلط بر این منابع، روسیه برنامه پیوستن به این پروژه‌ها را دنبال می‌کند. مجموعه‌ای از عوامل عینی، شرایط کاملاً سخت و مشخصی را برای تحویل منابع خام محلی در مقایسه جهانی به وجود آورده است. برجسته‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

۱. شرایط استخراج نفت و گاز که چاههای عمیق، فشار زیاد و منطقه قاره‌ای را دربر می‌گیرد. همچنین تجاوز و درگیری روبه افزایش منطقه‌ای، غلظت و سایر ویژگی‌های نفت آسیای مرکزی، به‌طور قطعی کاربرد تکنولوژی نوین و سرمایه‌گذاری را در مقیاسی بس گسترده نیاز دارد. بدیهی است چنین شرایط و امکاناتی تنها در اختیار اتحادیه‌های نفتی آمریکایی، اروپایی و ژاپنی است.

۲. موضوع بعدی نیاز درازمدت مراکز اصلی اقتصاد جهان به مواد نفتی آسیای مرکزی است. حقیقت این است که در شرایط از بین رفتن ثبات در مراکز تحویل نفت و گاز بیش از همه ژاپن و اروپای غربی به این منابع نیاز دارند. در این میان از چین هم باید یاد کرد که در حالت حفظ بالاترین میزان رشد اقتصادی قرار دارد.

۳. ساختار جغرافیایی انتقال صنعت نفت جهانی. هدف اقتصاد امروز کاهش هزینه‌های تولیدی است. در این ارتباط استخراج نفت در مناطق جدید بیش از همه به شبکه‌های لوله‌کشی و انتقال، بنادر، پایانه‌های نفتی و در نهایت آماده‌سازی مجموعه‌های نفتی نیاز دارد.

۴. بالاخره رقابت جدی از سوی دیگر کشورها برای تسلط بر این مناطق، بانکها و اتحادیه‌های نفتی چندملیتی به‌طور جدی در موضوع هزینه‌های منابع موجود تحقیق می‌کنند، ضمن اینکه از حساسیت استراتژی جهانی و هدایت آنها برخوردار می‌باشند. با تمام امکانات صنعت نفت و مؤسسات مالی چندملیتی، حجم منابعی که آنها در مدت زمان محدود می‌توانند مجهز نمایند بسیار محدود است. پیش‌فرضهایی در تبدیل آسیای مرکزی به یکی از بحرانی‌ترین مناطق در سیاست جهانی در عرض ده-پانزده سال آتی وجود دارد که اصلی‌ترین عامل آن وجود منابع خام نفتی در مقیاسی جهانی و طرحهای ملی برای استخراج این منابع است. این امر باعث شده تا بانکها و اتحادیه‌های نفتی آمریکایی و اروپای غربی روند حضور خود در این منطقه را سرعت بخشند. در این راستا اصلی‌ترین هدف آنها قزاقستان و ترکمنستان است. در قزاقستان شرکتهای خصوصی به‌طور تنگاتنگی با رؤسای خود ارتباط دارند. در میان تمام دولتهای همجوار در آسیای مرکزی این کشور بالاترین سطح روابط دوجانبه را با غرب برقرار کرده‌اند و موافقتنامه‌های دوستانه اقتصادی با صندوق بین‌المللی پول به امضاء رسانیدند که در آنها بر سر ثبات استاندارد قیمت‌ها توافق شده است. منطقه «خارتیا» نمونه دیگری از این مدعاست که روابط استراتژیک رقابتی بین آمریکا و قزاقستان برقرار نموده و مبارزه جدی در قلمرو نفت و گاز را موجب شده است.^(۱۷) همچنین در ترکمنستان که معیارهای دموکراسی به سبک و سیاق غربی کمتر در آن به چشم می‌خورد، تا آخرین لحظه و براساس خط‌مشی‌های بخش خصوصی و گروههای بانفوذ پارلمانی تماسهایی با سیاستمداران عالی‌رتبه غرب وجود داشته است.^(۱۸)

در کنار این جریان‌ها، آسیای مرکزی از سوی کشورهای مثل ایران، ترکیه، پاکستان و عربستان سعودی مورد توجه قرار گرفت. این کشورها تحت عنوان «جهان اسلام» مفهوم خاصی را در ذهن متبادر می‌کنند. افزایش توجه این دولت‌ها به گسترش روابط در این منطقه به‌طور کلی رابطه ویژه‌ای با اسلام ندارد، ولی روی هم‌رفته با منافع اقتصادی غیربرنامه‌ریزی شده توضیح داده می‌شوند. پاکستان نیز چنین روحیه‌ای را داراست. در این خصوص پاکستان امکان فعال نمودن رشد اقتصادی خود را در کاهش هزینه‌ها از طریق وارد کردن مواد نفتی پیش‌بینی می‌کند. برخی دیگر علت تشدید علاقه پاکستان به این قسمت از کره زمین را نزدیکی قابل ملاحظه تولیدکنندگان آسیای مرکزی به این کشور می‌دانند. چنین ملاحظاتی در سیاست ترکیه هم مشهود است. این کشور نیز بخش اعظم مواد نفتی مورد نیاز خود را از خارج وارد می‌کند. برای ترکیه همانند ایران، اهمیت اساسی در این نکته است که سرزمین آنها در انتقال نفت و گاز به بازارهای جهانی تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد و این انتقال سالیانه درآمد شایان توجهی را برای این دو کشور به ارمغان می‌آورد.

با توجه به مطالب فوق درمی‌یابیم که در آینده نزدیک مبارزه سخت بر سر منابع و ذخایر سودآور این منطقه بحرانهای جدی زیادی را در پی دارد. امروز در همین منطقه چندین کانون بحران شناخته شده است. اولاً، تلاشهای انجام شده به کوتاه شدن دست اتحادیه‌های نفت و گاز روسی از استخراج ذخایر نفتی آسیای مرکزی منجر می‌شود. در نتیجه، همان‌طور که تاکنون تأکید شده است، برای پیشبرد این هدف غالباً شعار مبارزه با «امپراتوری در حال احیای روسیه» طرح می‌شود. در این بین مبنای سعی شرکت‌های نفت و گاز روسیه به دست آوردن سهم مشخصی از استخراج منابع موجود در قزاقستان و ترکمنستان است. در ضمن، تحقق منطقه واحد جغرافیایی خزر - آذربایجان با منافع عقیدتی - سیاسی هدایت نمی‌شود، بلکه انگیزه‌های اقتصادی محرک اصلی قضیه به‌شمار می‌روند. شرکت‌های منسجم انرژی روسیه می‌خواهند تا مهمترین عضو این مجموعه اقتصادی باقی بمانند. بر این مبنای ملاحظات اقتصادی، و به‌طور کلی اصول پذیرفته شده حرکت در اقتصاد بازار، اعتراض روسیه را به حضور بیشتر برای استخراج منابع طبیعی محلی باعث می‌شود.

ثانیاً، طرح انتقال منابع نفتی از آسیای مرکزی به بازار جهانی تضادهای موجود میان روسیه با ترکیه را به اوج خود رسانید. تحولاتی از قبیل: تغییر یک‌جانبه کنوانسیون بین‌المللی «مونترو» در سال ۱۹۳۶، و برنامه منظم کشتیرانی از طریق تنگه «بُسفر و داردانل» که برای محدود کردن توانایی‌های روسیه انجام گرفته بود، پس از فروپاشی شوروی سابق، برای روسیه یکی از مهمترین مبادی صادرات به بازارهای جهانی به‌شمار می‌رود.^(۱۹) روشن است که

تضادهای موجود تنها به روسیه و ترکیه مربوط نمی‌شوند بلکه اتحادیه‌های پیشرو جهانی در صنعت نفت و گاز هم با این جبهه‌گیری‌ها ارتباط دارند.

پایان موفقیت‌آمیز و سازشکارانه در مراحل سرنوشت‌ساز بیش از همه با دو عامل اساسی پیوند دارد. از یک‌سو عوامل مهمی این موضوع را هدایت می‌کند. همچنانکه مجموعه‌های نفت و گاز روسیه به‌طور سنتی حضوری سریع و موفقیت‌آمیز در این منطقه دارند، در ضمن به‌عنوان جریان صنایع نفت و گاز جهانی در شبکه موجود و اتحادیه‌های چندملیتی ادغام می‌شوند. در عرض دو - سه سال گذشته اقدامات زیادی در این راستا صورت گرفته است.^(۲۰)

از سوی دیگر ادغام بعدی روسیه در شبکه سازمانهای بزرگ مالی - اقتصادی و سیاسی اهمیت زیادی دارد، زیرا این سازمانها نقش اساسی را در هدایت توافقنامه‌های بین‌المللی اقتصادی برعهده دارند. البته تبدیل شدن روسیه به یکی از اعضای حیاتی مجموعه‌های فعلی اقتصادی و سیاسی بزرگ از تضادهای موجود نمی‌کاهد. این موضوع اجازه دامن زدن به برخی وقایع را صادر می‌کند. پیش‌بینی و هدایت آنچه در آسیای مرکزی می‌گذرد از آن جمله است. شکل‌گیری یک‌رشته از انگیزه‌های قوی اقتصادی که در بعضی مواقع منجر به قطع یکدیگر می‌شوند، اولویت موضوع ثبات در این منطقه پرمخاطره را برای تمامی شرکت‌کنندگان در قراردادهای سیاسی بزرگ و منطقه‌ای مطرح می‌سازد.^(۲۱) کنسرسیوم بین‌المللی استخراج منابع نفتی آذربایجان با حضور اتحادیه‌های نفتی هفت خواهران، طرح کنسرسیوم جهت استخراج منابع دریای خزر با حضور کمپانی‌های روسی، قزاق، آمریکایی و عمانی و بالاخره طرح بین‌المللی استخراج منابع نفتی منطقه «قره‌چگنک» در قزاقستان از آن جمله‌اند.

منابع

۱. اقتصاد مردمی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۰، سالنامه آماری، مسکو ۱۹۹۱، ص ۶۴۲.
۲. همان، ص ۶۴۲.
۳. پژوهشی پیرامون نظامهای اقتصادی در مرحله تحولات اساسی دولتهای شوروی سابق. مجموعه محاسباتی. بانک جهانی، نیویورک ۱۹۹۳، ص ۲۹۴.
۴. و. کریچنکو. ارتباطات اقتصادی کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع، اکونومیست، مسکو ۱۹۹۳، شماره ۴، ص ۵۶.
۵. نفت سبیری به کجا می‌رود؟ آواردانیا. *Daily* دوم مارس ۱۹۹۳، ص ۲.
6. Financial Relations Among Countries of the Former Soviet Union, February 1994, p.25.
۷. اقتصاد جامعه مشترک‌المنافع، راهنمای محاسباتی کوتاه، مسکو. ۱۹۹۴، ص ۷۰.

۸. همان منبع.

۹. همان منبع.

۱۰. وراستوفسف. رقابت جدید روسیه با کشورهای عضو جامعه مشترک المنافع. دنیای مدیریت. ۲۰ سپتامبر ۹۴، ص ۱.

۱۱. منبع شماره ۷، ص ۱۰۳.

۱۲. منبع شماره ۷، ص ۵۹.

۱۳. روزنامه اخبار مسکو، ۱۹۹۳، ژانویه شماره ۳، ص ۲.

14. Interfax/Metals and mining report, 9 Sep 1994, No.36, p.12.

۱۵. بازار بورس، آلمان، شماره ۶، ۲۳ مارس ۱۹۹۳، ص ۲.

۱۶. اطلاعاتی درباره توسعه صنعت نفت و گاز ترکمنستان تا سال ۲۰۰۲.

Oil and Gas Journal, March 14, 1994, p.87.

۱۷. اتحاد قزاقستان، ۲۴ فوریه ۹۴، ص ۱-۲.

۱۸. Daily مسکو. نوامبر ۹۲، ص ۳.

۱۹. Daily مسکو. نوامبر ۹۳، ص ۴.

۲۰. ژوکوف. آسیای مرکزی در سیاست و اقتصاد جهانی، مسکو ۱۹۹۲.

21. Azerbaijan Ratifies Caspian oil Deal- *The Moscow Times*, 16 Nov 1994, pp.1-2.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی